

ظرفیت سنجی لایحه تقسیمات سیاسی در توسعه پایدار سرزمینی^۱

مهدی عارف پور: دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
رحیم سرور^۲: استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
علیرضا استعلاجی: استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد یادگار امام "ره"-شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Capacity assessment of the bill of political divisions in sustainable territorial development

Abstract

"Country divisions" are one of the dimensions of the political organization of space. All governments are divided into smaller units for political and administrative purposes, and each of these units has a local administration that manages affairs. In fact, the division of a country refers to the division of the country's space into smaller units, to facilitate its administration, provide security and improve the social and economic situation. National development is based on the spatial units of the country's divisions. Therefore, there is a close relationship between the system of national divisions and national development. Accordingly, the purpose of this study is to identify and evaluate the components and variables of capacity measurement of the bill of national divisions in sustainable territorial development. The research is applied in terms of purpose and descriptive and survey in nature, as well as analytical. Data collection required for the research was in the form of documentary study, library and questionnaire. The statistical population includes experts, managers and deputies of the Ministry of Interior, out of 400 experts in the field of research, 200 samples were randomly determined using the Cochran's formula. Response spectrum tool in the form of Likert in 5 degrees very low (score 1) to very high (score 5) that was completed and weighted. Findings show that legal, managerial, institutional, content and policy components are ranked one to five. The results show that the rate of direct impact of legal and managerial components was equal to 0.649, which shows that for one unit of change in the legal component, the amount of management component will change by 0.649 units.

Key Words: Political Divisions, Land Management, Development, National Divisions Bill

چکیده

«تقسیمات کشوری» یکی از ابعاد سازماندهی سیاسی فضا است. تمام حکومت‌ها برای مقاصد سیاسی و اداری به واحدهای کوچک‌تر تقسیم می‌شوند و هر یک از این واحدها دارای یک مدیریت محلی است که به اداره امور می‌پردازد. در واقع، تقسیمات کشوری به تقسیم‌بندی فضای کشور به واحدهای کوچک‌تر، برای سهولت اداره آن، تأمین امنیت و بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی اطلاق می‌شود. توسعه ملی بر مبنای واحدهای فضایی تقسیمات کشوری استوار است. از این رو بین نظام تقسیمات کشوری و توسعه ملی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. بر این اساس هدف پژوهش شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌ها و متغیرهای ظرفیت سنجی لایحه تقسیمات کشوری در توسعه پایدار سرزمینی می‌باشد. تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع تحلیلی است. جمع‌آوری داده‌ها مورد نیاز پژوهش در قالب مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و پرسشنامه بوده است. جامعه آماری شامل کارشناسان، مدیران و معاونان وزارت کشور می‌باشند که از تعداد ۴۰۰ نفر متخصص حوزه پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران ۲۰۰ نمونه به‌طور تصادفی تعیین شده است. ابزار طیف پاسخگویی به‌صورت لیکرت در ۵ درجه خیلی کم (امتیاز ۱) تا خیلی زیاد (امتیاز ۵) که تکمیل و وزن‌دهی گردید. یافته‌ها نشان می‌دهند مؤلفه‌های قانونی، مدیریتی، نهادی، محتوایی و سیاست‌گذاری در رتبه‌های یک تا پنج قرار گرفته‌اند. نتایج حاکی از آن است که میزان تأثیر مستقیم مؤلفه‌های قانونی و مدیریتی برابر با ۰٫۶۴۹ بوده است که نشان می‌دهد به ازای یک واحد تغییر در مؤلفه قانونی، میزان مؤلفه مدیریتی به میزان ۰٫۶۴۹ واحد تغییر خواهد یافت.

واژگان کلیدی: تقسیمات سیاسی، آمایش سرزمین، توسعه یافتگی، لایحه تقسیمات کشوری

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "تحلیلی بر نقش تقسیمات سیاسی در توسعه سرزمینی با تأکید بر لایحه تقسیمات" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسنده دوم در حال انجام است.

۲- نویسنده مسئول، sarvarh83@gmail.com

مقدمه

از ویژگی‌های مهم فرایند توسعه، موزون بودن آن است و در شرایطی که فرایند توسعه دچار ناموزونی شود، اساساً تحقق توسعه دچار خدشه‌ای جدی و بنیانی خواهد شد که یکی از مسائلی که پروسه توسعه را ناهماهنگ می‌کند، مسئله تمرکزگرایی در توسعه است (لطفی، ۱۳۹۵، ۷۶). توسعه نتیجه تلاش و بسیج نیروهای مادی و انسانی برای اهداف مترقی توسعه‌یافتگی است و از این رهگذر است که فقر، بی‌سوادی، وابستگی و اختناق جای خود را به رفاه، آزادی و قدرت می‌دهند، اما موفقیت در مسیر توسعه تنها با یک دید همه‌جانبه به محیط توسعه امکان‌پذیر خواهد بود. به این صورت که توسعه در جوامع مختلف تابع شرایط نهادی است که در آن جوامع وجود دارد. شرایط و نظام حاکم است که فرایند توسعه را سریع‌تر یا کندتر می‌کند. امروزه، دولت‌ها و تصمیمات دولتی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌دهی الگوی سلسله‌مراتب و روابط توسعه سکونت‌گاهی است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از نظریه‌پردازان مسائل شهری معتقدند که با تأثیر نافذ و عظیم سرمایه‌گذاری دولتی در ایجاد کلان‌شهرها، دولت‌ها می‌توانند در رشد شهرهای متوسط از طریق تمرکززدایی یا تجمیع تأثیر بگذارند و توزیع متعادل‌تری از جمعیت شهری و فعالیت‌های تولیدی اقتصادی ایجاد کنند (O'loughlin, Toal, & Chamberlain-Creangă, ۲۰۱۳, ۲۲۸).

یکی از عمده‌ترین مسائلی که فراروی کشورهای درحال توسعه قرار دارد، دستیابی به توسعه سرزمینی و منطقه‌ای است، به دلیل اهمیت کارکرد نظام تقسیمات کشوری در توسعه این کشورها، صاحبان قدرت با تأکید بر توسعه پایدار، سعی بر انتخاب ساختار اداری - سیاسی و تصمیمات سیاسی دارند که تأثیرگذاری بهینه در جهت دستیابی به مضمون فوق در پی داشته است. تقسیمات کشوری یکی از چارچوب‌ها و بستری است که نهادهای مختلف را در دل خود جای داده و نیز از نظام مدیریتی کشور تأثیر می‌پذیرد (Muir, ۲۰۱۵, ۷۱)؛ لذا در فرایند توسعه همپای نهادهای مختلف مؤثر است. زیرا اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری و کارکرد سیاسی واحدهای تقسیمات درون کشور که البته تابع نوع دولت و سیستم سیاسی در سطح ملی می‌باشد، در قالب تقسیمات کشوری متبلور می‌شود. کارکرد تقسیمات کشوری که شاید موردتوجه تمام نظام‌های سیاسی می‌باشد، عبارت است از تأمین خدمات و امکانات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی. چرا که شاخص‌هایی از قبیل دسترسی

مناسب سکنه در واحد سیاسی به خدمات و تقویت روحیه مشارکت عمومی می‌تواند به ایجاد فضایی امن برای ساکنین نواحی و گسترش حاکمیت دولت منجر شود. نظام تقسیمات کشوری می‌تواند متضمن روش‌هایی در جهت تجدیدنظر در مقررات و رویه‌ها باشد تا از آن راه شرایط تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی را فراهم آورد. (Wilk, ۲۰۰۴, ۲۴۱) به عبارتی هر دولت به‌منظور برقراری نظم، امنیت عمومی، تسهیل اداره امور، تأمین رفاه مردم و مدیریت بر کشور نیازمند تقسیم سرزمین به واحدهای سیاسی - اداری مشخص و معینی می‌باشد؛ در غیر این صورت "حاکمیت دولت بر کشور" دچار اشکال و نهایتاً به اضمحلال آن و ازهم‌گسیختگی کشور منجر می‌شود. در گذشته تقسیمات سیاسی - اداری به دلیل محدودیت وظایف دولت حتی‌الامکان به "حفظ نظم و امنیت عمومی و اخذ مالیات" محدود می‌شده است؛ لذا کم و کیف تقسیمات اداری - سیاسی چندان مدنظر نبوده و باتوجه به ساختارهای اداری و متمرکز و یک‌طرفه و از بالا به پایین دولت تقسیمات اداری - سیاسی نیز بر پایه شاخص‌های شهودی، طبیعی و فرهنگی (زبان و مذهب، قومیت) به‌منظور پاسخ به نیازهای فوق‌الذکر شکل گرفت و بحث‌هایی از قبیل نقش مشارکت مردم و استعدادهای مناطق در توسعه چندان مطرح نبوده است؛ ولی به‌تدریج با تغییر ماهیت و نحوه عملکرد دولت‌ها و مداخله بیشتر مردم در ساختار اداری، قلمرو و حدود وظایف از شکل سنتی "حفظ نظم و امنیت عمومی و اخذ مالیات" به‌سوی برنامه‌ریزی و مسئولیت‌پذیری برای پیشرفت جوامع سوق یافت، لذا ساختار اداری دولت دچار تحولات اساسی شد و وظایف آن نیز پیچیده و متعدد گردید. در نتیجه تقسیم سرزمین به واحدهای سیاسی که منطبق با ساختار جدید باشد، ضروری به نظر می‌رسد، لذا واحدهای جدید سیاسی با اهداف تمرکززدایی سیاسی - پارلمانی و اداری اجرایی به وجود آمد (Geldermann & Rentz, ۲۰۰۰, ۴۲).

در این راستا شکل‌دهی استان‌ها و ایالت‌های جدید در قالب تقسیمات سیاسی به‌عنوان یک تغییر سیاست در نحوه کنترل و اداره نواحی از شکل متمرکز به‌صورت غیرمتمرکز، پارادایم جدیدی محسوب شده که از اواخر قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم در معادلات کنترل و مدیریت کشورها به‌عنوان یک ضرورت موردتوجه قرار گرفته است و از جمله اهدافی که در تمام برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی از همان سال‌های اولیه انقلاب مورد تأکید بوده محرومیت‌زدایی و کاهش نابرابری منطقه‌ای و توسعه سرزمینی است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد همچنان بین استان‌های کشور از نظر سطح

تقسیمات کشوری

تقسیمات کشوری، نوعی سازماندهی فضایی - اداری برای تسهیل در اعمال حاکمیت دولت، شیوه مدیریت و تصمیم‌گیری و همچنین انتظام نوع و نحوه رابطه دولت - ملت و ملت با ملت می‌باشد. در همین ارتباط محدوده‌های متوازن تقسیمات کشوری در واقع ظرف مکانی به شمار می‌رود که می‌توان آن را فصل مشترک تمام پدیده‌های عینی و غیرعینی نظیر منابع طبیعی، جمعیت، سنت و فرهنگ، فعالیت؛ زیرساخت‌ها، تشکیلات، روابط، حرکات و ... دانست که به‌تبع پیشینه تاریخی، نظام حکومتی، ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی - اقتصادی در ظرف زمان انتظام و آرایش خاصی به خود می‌گیرد.

تحقیقات متعدد در ارتباط با موضوع در جدول شماره ۱ ارائه گردیده است.

اصول مبنا در فرایند سازماندهی سیاسی فضا عبارت از:

۱. اصل تسهیل خدمات‌رسانی در ناحیه سیاسی - جغرافیایی؛
۲. اصل دسترسی سریع و کم‌هزینه به مرکز خدمات یا کانون ناحیه سیاسی در مقياس موردنظر؛
۳. اصل رضایتمندی سکنه فضای جغرافیایی از الگوی قالب‌گیری سیاسی - فضایی؛
۴. اصل مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری ملی و منطقه‌ای؛
۵. اصل وحدت، وفاق و وفاداری ملی و یکپارچگی سیاسی - فضایی؛
۶. اصل یکپارچگی و وحدت سازمانی و اداری در تعامل بخش دولتی و مردم در یک نظام از سطح ملی تا سطح محلی؛
۷. اصل پویایی و نقش‌آفرینی نواحی و مناطق در الگوی کارکردهای سطح ملی و در چهارچوب رقابت سازنده میان مناطق؛
۸. اصل تمرکز در سیاست‌گذاری‌های کلان و امور ملی و عدم تمرکز در سیاست‌ها و تصمیم‌گیریهای مربوط به امور منطقه‌ای و محلی؛ به‌عبارت‌دیگر توزیع منطقی قدرت سیاسی و اجرایی در فضای کشور (حافظ نیا و قالیباف، ۱۳۸۰، ۴۰).

توسعه‌یافتگی تفاوت زیادی وجود دارد و این نابرابری‌ها نیز بعضاً در داخل یک استان کاملاً مشهود است. زیرا بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری در استان‌ها در مراکز صورت می‌گیرد و به‌صورت معناداری مرکز استان با شهرستان‌های اطراف از نظر سطح برخورداری متفاوت است. عدم تعادل شدید در نظام‌های شهری منجر به خلأ کارکردی آشکاری در سطوح میانی گردیده است. در چنین شرایطی تعدیل قطب‌گرایی در توسعه منطقه‌ای و سرزمینی و تمرکززدایی از شهر نخست قدامی منطقه‌ای در جهت توسعه سرزمینی منطقه خواهد بود. این راهبرد با ایجاد تعادل در ساختار فضایی منطقه‌ای از سنگینی وزنه اصلی منطقه یعنی شهرهای مسلط کاسته و به برقراری توازن شبکه‌ای کمک می‌کند؛ از جمله عواملی که سبب شده تا چنین تحقیقی انتخاب شود می‌توان به اهمیت بسیار زیاد تقسیمات کشوری در ایران به لحاظ ابعاد سیاسی و اقتصادی آن اشاره کرد.

هدف از مقاله حاضر تحلیلی بر نقش تقسیمات سیاسی در توسعه سرزمینی و منطقه‌ای با تأکید بر تقسیمات کشوری در است. بدین منظور پرسش اصلی پژوهش این است مؤلفه‌های تقسیمات کشوری در ظرفیت سنجی لایحه تقسیمات کشوری کدام‌ها هستند و چه تأثیری بر یکدیگر دارند و کدام مؤلفه‌ها دارای ارجحیت بیشتری هستند؟

پیشینه تحقیق

تقسیمات سیاسی یک کشور به‌مثابه قالب سیاسی و مدیریتی فضای ملی است. درواقع تقسیمات فضای ملی جایگاه هر بخش از پهنه سرزمینی را در ساختار فضایی کشور مشخص می‌کند؛ بنابراین، تقسیمات کشوری باید بر اساس اصول و چهارچوب‌ها و واقعیت‌های جغرافیایی باشد و به‌منظور کارآمدی هرچه بهتر تنظیم شود و الگوی راهبردی جغرافیایی را بر اساس قوت‌ها ضعف‌ها فرصت‌ها و تهدیدها شکل می‌دهد (رشیدی، ۱۳۹۵، ۱۵۷).

در این زمینه می‌توان به نقش مدیریت سیاسی و چگونگی تصمیم‌گیری مدیران در حوزه شهرها در جذب سرمایه‌گذاری بخش دولتی، نقش تصمیمات سیاسی در دریافت خدمات عمومی، نقش تصمیمات سیاسی در ارتقایابی مکان جغرافیایی به مرکز ناحیه‌ای از طریق تصمیمات سیاسی و تقسیمات کشوری و... اشاره کرد.

جدول ۱- پیشینه تحقیقات انجام شده در تقسیمات کشوری

<p>نتیجه بررسی‌ها نشان داد که تقسیمات کشوری از سه جهت عمده: ۱- ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی ۲- ایجاد یک مبنا و بستر برای برنامه‌های آمایش ۳- مکانیسم اجرای برنامه‌های آمایش از طریق تمرکززدایی می‌تواند در اجرای طرح‌های آمایش سرزمین مؤثر باشد. از طرف دیگر تقسیمات کشوری ایران به دلیل ناهمگن بودن حوزه‌های تقسیماتی و به تبع آن عدم انطباق با الزامات منطقه‌ای و همچنین سیستم حکومتی متمرکز که موجب تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها در مرکز و عدم تعادل در ابعاد مختلف در سطح سرزمین شده است، نتوانسته کارایی لازم را در تهیه و اجرای برنامه‌های آمایش داشته باشد.</p>	<p>تحلیل کارکردی تقسیمات کشوری در اجرای برنامه‌های آمایش سرزمین با تأکید بر ایران</p>	<p>احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۳</p>
<p>نتایج پژوهش حاکی از شکاف ملموس نابرابری از لحاظ سهم شاخص‌های توسعه پایدار در سطح شهرستان‌های استان‌های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی می‌باشد که شاخص‌های مورد بررسی و رتبه‌بندی آن‌ها خود گویای این مطلب می‌باشد.</p>	<p>سازماندهی سیاسی فضا بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار در پراکنش فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای در سه استان خراسان بزرگ</p>	<p>لطفی، ۱۳۹۵</p>
<p>یافته‌های تحقیق به مسئله عدم انطباق تقسیمات کشوری فعلی ایران بر نواحی جغرافیایی (طبیعی و انسانی) و نیز عدم توجه به مؤلفه‌های شکلی در سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری از جمله عوامل شکل و وسعت و استقرار نامتوازن مراکز استان‌ها پرداخته و نتایج نشان می‌دهد آسیب‌ها به‌طور مستقیم بر توسعه، امنیت و توازن فضایی در کشور اثر منفی می‌گذارد.</p>	<p>آسیب‌شناسی ژئوپلیتیکی تقسیمات کشوری ایران از منظر آمایش سرزمین</p>	<p>رشیدی، ۱۳۹۶</p>

آورده و تفاوت‌های کیفیت زندگی بین ناحیه‌ای و درون ناحیه‌ای را به حداقل برساند یا از میان بردارد. به عبارت دیگر توسعه ناحیه‌ای فرایند رشد و تغییرات ساختار در درون ناحیه، شامل جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که هدف آن افزایش سطح جوامع درون ناحیه می‌باشد.

جغرافیدانان سیاسی تعریف و تحلیل‌های متفاوتی از مفهوم قلمرو جغرافیایی کشور در چند دهه اخیر ارائه نموده‌اند. برخی از این اندیشمندان سرزمین را بخشی از جلوه‌گاه جغرافیایی می‌دانند که با ادامه فیزیکی قلمرو یک کشور برابری پیدا می‌کند. این مفهوم گسترده فیزیکی با حمایت سیاسی، یک ساختار حکومتی به خود می‌گیرد. مفهوم فوق پهنه فیزیکی یک سیستم سیاسی را معرفی می‌کند که در حکومتی ملی و یا در بخشی از آن که از گونه‌ای اقتدار برخوردار باشد قوام می‌یابد. این تعریف مبین جدایی‌ناپذیری جنبه‌های سیاسی مفهوم سرزمین از مفهوم حکومت است (مجتهدزاده، ۱۳۹۵، ۲۳۱). با این تعریف در جهان کنونی بخشی از مفهوم کشور در

توسعه و توسعه سرزمینی

به‌طور کلی برنامه‌ریزی توسعه سرزمینی عبارت است از سازماندهی توزیع جمعیت فعالیت‌ها و سکونتگاه‌ها در سطح فضا با توجه به قابلیت‌های سرزمین در جهت استفاده مناسب از منابع و بهبود پایدار کیفیت زندگی برنامه‌ریزی با نگاهی عمیق و همه‌جانبه، به مسائل منطقه‌ای در پی انتظام کانون‌های زیستی در فضای منطقه یا به عبارت دیگر در پی فراهم ساختن بهترین شرایط زیست و روابط مناسب بین کانون‌های زیستی است (احمدی‌پور و منصوریان، ۱۳۸۵، ۶۴).

یکی از اهداف مهم تقسیمات کشوری کمک به برقراری رشد و توسعه همه مناطق یک کشور در قالب توسعه ناحیه‌ای است. توسعه ناحیه‌ای به‌عنوان یکی سیاست جدید برای حل مشکلات جوامع مناطق پیرامونی و محروم (Polèse, ۱۹۹۹, ۳۰۲). تلاش می‌کند که بهترین شرایط و امکانات را برای توسعه جامع همه نواحی فراهم

مفاهیم جغرافیای سیاسی نهفته است. بنابراین، سرزمین عامل مادی و اساسی تشکیل کشور محسوب می‌شود. چنین مفهومی نه تنها به این معنی است که افراد تشکیل‌دهنده آن ملزم به سکونت در سرزمین انتخابی خود یا پدرانشان می‌باشند، بلکه خود کشور نیز نهادی است که بدون وابستگی به مفهوم قلمرو، نمی‌تواند وجود داشته باشد. در واقع کشور یک تعاونی ارضی است. از نگاه جغرافیای سیاسی قلمرو کشور مکانی است جغرافیایی که او برای سکونت گروه انسانی، ثنیا کالبدگیری مفهوم کشور و ثالثاً برای اعمال حاکمیت حکومت، وجود سرزمین معین را یکی از عوامل اصلی سازنده کشور تعریف می‌نماید از الزامات بلافصل آن محسوب می‌شود.

قلمرو واژه قلمرو^۱ ترکیبی از اسم (قلم) و فعل امر (رو) و به معنای اسم ظرف (مکان) است؛ یعنی محل روان بودن قلم کسی و قلمرو به معنای ملک مطیع است و در عرف، نشان‌دهنده محدوده مالکیت و حاکمیت یک واحد اکولوژیک بر یک محدوده جغرافیایی در شکل زمین و منابع مادی آن است (Kitchin & Thrift, 2009, 48). جانوران برای زندگی و فعالیت‌های زیستی‌شان محدوده مشخصی برای خود برمی‌گزینند. حیوانات از رهگذر نشانه‌های ساده بصری، آوایی، چشایی و خواص بویایی مرزهایشان را تعیین و نشانه‌گذاری می‌کنند و در نگاه داشت قلمروشان می‌کوشند (Var- 2013, tania et al.). میزان وضوح این نشانه‌ها در فضا، مقدار کنترل بر محدوده قلمرو (مرزها) را نمایان می‌کند (علی‌الحسابی و دانشمند، ۱۳۸۷). از این رو، واژه قلمرو ناظر به فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به‌عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. به فراخور وسعت و توانمندی، قلمروهای مختلفی وجود دارد که زمینه بروز کنش‌های متنوعی از همکاری تا جنگ ساکنان هستند. در حوزه رفتار انسان اجتماعی، قلمرو بخشی از سطح زمین است که گروهی خاص یا موجودیتی سیاسی مدعی مالکیت و حاکمیت بر آن است. بنابراین، قلمروها نشان‌دهنده اعمال قدرت بر فضا هستند که در عالی‌ترین سطح در قالب کشور - ملت‌ها سر برآورده‌اند. امروزه، قلمرو گستره فضایی قدرت یک کشور و منابع مادی تأمین‌کننده آن قدرت است. باوجود اختلاف دیدگاه‌ها درباره تحولات مفهومی این واژه، سرزمین یا قلمرو بخش جدایی‌ناپذیر ساختار کشورها در قوانین بین‌المللی است (کاوایانی راد، ۱۳۹۲).

منابع دریایی نزدیک سواحل این سرزمین) که حکومت مدعی مالکیت آن است و کشورهای دیگر نیز این ادعا را به رسمیت می‌شناسند (Crawford, 2019, 61). مسائل مربوط به درک مفهوم قلمرو و نقش آن در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه جغرافیدانان بوده است. جغرافیدانان مانند زیست‌شناسان، واژه قلمرو را به مفهوم عام آن به کار می‌برند؛ یعنی ناحیه‌ای که در آن حقوق مالکیت اعمال می‌شود و به‌گونه‌ای محدود و مرزبندی می‌شود. جغرافیدانان از واژه مرز برای بیان حدود چنین قلمروهایی استفاده می‌کنند. در سطح کره زمین نواحی متفاوتی وجود دارد که موقعیت و کارکرد قلمرو این نواحی راهبرد پایش (کنترل) آن محدوده را گریزناپذیر می‌کند. این پایش اغلب زمینه کنش ساکنان را در قالب هم‌زیستی، هم‌اوردی و کشمکش (از مقیاس خرد تا کلان) فراهم کرده است. در جغرافیای سیاسی سه مفهوم سرزمین، مرز و حاکمیت برای شکل‌دهی به قلمرو رابطه نزدیکی دارند. براساس این، قلمرو فضای متأثر از قدرت، سلطه و مالکیت است (Jones et al., 2014, 79) و شدت نفوذ قدرت، سلطه و مالکیت تابع شاخصه‌های وزن مکانی مانند پهناوری، میزان و تنوع منابع طبیعی، شکل موقعیت آفندی، پدافندی، راهبردی، گذرگاهی، فضای کارآزمایی^۲، عمق راهبردی و... است (J. Agnew & Muscarà, 2012, 39).



شکل ۱- ابعاد قلمروگرایی

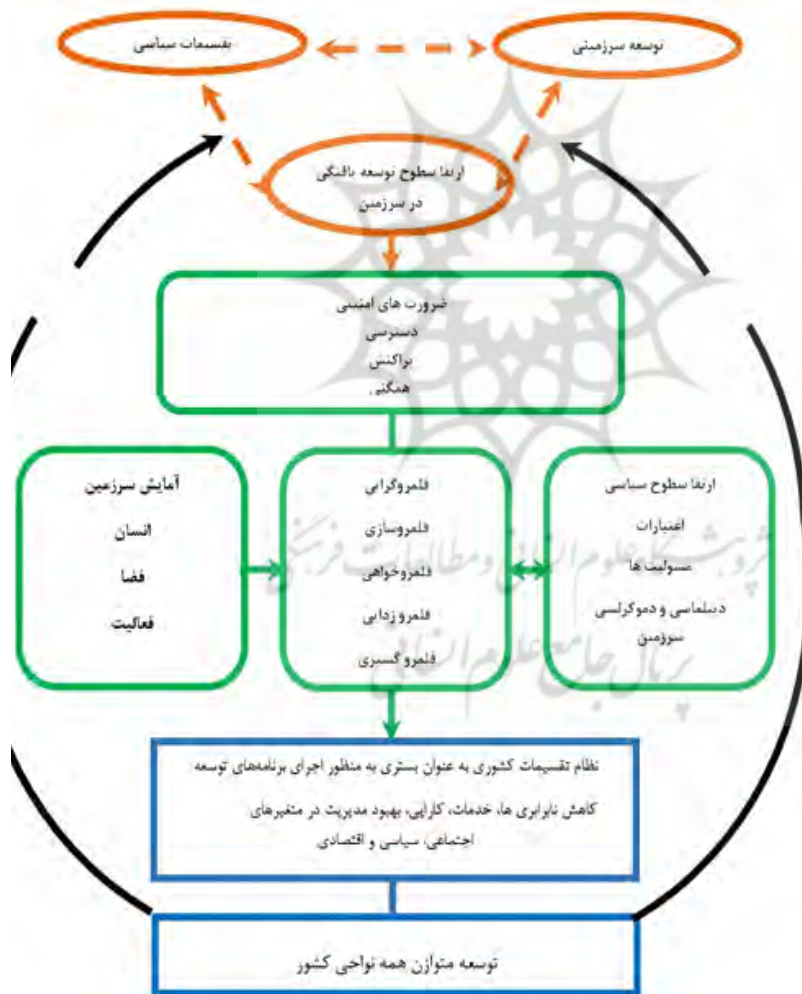
^۲-Maneuver space

از این رو، قلمرو کشور عبارت است از سرزمینی (اعم از زیرزمین، آب‌های داخلی و هم مرز، فضای هوایی و برخی

^۱-Territory



شکل ۲- مفاهیم قلمرو گرایی



شکل ۳- مدل مفهومی پژوهش

منبع: نگارندگان

جدول ۲- مؤلفه‌ها و متغیرهای تحقیق

مؤلفه	متغیرها
ساختاری و سیاست‌گذاری	x1 تفرق و نبود ارتباط ارگانیک از سطح راهبرد و سیاست‌ها در لایحه تقسیمات کشوری
	x2 تفرق در نظام داده و اطلاعات ملاک عمل سیاست‌گذاری تا اجرا در لایحه تقسیمات کشوری
	x3 وجود واگرایی‌های سیاسی در لایحه تقسیمات کشوری
	x4 واگرایی برنامه‌های مدیریتی تهیه شده در ارائه الگویی کارآمد لایحه تقسیمات کشوری
	x5 سنتی بودن برنامه‌ریزی در ساختار لایحه تقسیمات کشوری
	x6 بخشی بودن نظام برنامه‌ریزی در ساختار لایحه تقسیمات کشوری
	x7 تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی به جای انسانی و فضایی در لایحه تقسیمات کشوری
	x8 باورهای ضعیف متولیان امر به اثربخشی توانمندی‌های هر استان
	x9 عدم تعریف و تحقق ساختارهای آمایش سرزمین در لایحه تقسیمات کشوری
	x10 عدم پیاده‌سازی لایحه تقسیمات کشوری مبتنی بر رویکرد ایرانی - اسلامی
	x11 ضعف نظام برنامه‌ریزی در پذیرش و نهادینه ساختن لایحه تقسیمات کشوری
محتوایی	x12 فقدان بانک اطلاعاتی یکپارچه در استخراج اسناد کارآمد و به‌روز در لایحه تقسیمات کشوری
	x13 عمیق بودن نابرابرهای منطقه‌ای به حدی که در لایحه تقسیمات کشوری بی‌توجه مانده است
	x14 انتزاعی بودن لایحه تقسیمات کشوری
	x15 کم‌توجهی به ساختارهای سازمانی در لایحه تقسیمات کشوری
	x16 عدم توجه به توسعه متوازن و پایدار ملی و منطقه‌ای در لایحه تقسیمات کشوری
	x17 فقدان رویکرد ساختاری و راهبردی در لایحه تقسیمات کشوری
	x18 نبود یا ضعف ترتیب میان نهادی و درون نهادی در لایحه تقسیمات کشوری
	x19 عدم هماهنگی و توسعه‌یافتگی سرزمین در لایحه تقسیمات کشوری
	x20 ناشناخته ماندن نگرش یک‌پارچه در مدیریت سطوح مختلف فضایی لایحه تقسیمات کشوری
	x21 مبتنی بودن نظام تخصیص بر چانه‌زنی‌های مدیریتی
مدیریتی	x22 تأکید بیش از حد لایحه تقسیمات کشوری بر آبادی مکان بجای رفاه و امنیت انسان‌ها
	x23 تغییرات زیاد در سطوح مدیریت
	x24 نبود انتلاف بین متخصصان حوزه‌های علمی و ارائه تعریف میان‌رشته‌ای از تقسیمات کشوری
	x25 عدم وفاق بین وزارت راه و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت کشور
	x26 وجود تعدد برداشت از مفهوم و رسالت تقسیمات کشوری
	x27 عدم توفیق جایگاه نظام مدیریت شهری نزد سازمان‌های ذی‌مدخل
	x28 وجود تعارض بین مؤلفه‌ها سطح فضا یا مؤلفه‌های تصمیم‌گیری بخشی
	x29 تعدد نگرش و دیدگاه‌های سیاسی تقسیمات کشوری
	x30 بخشی‌نگر بودن دیدگاه‌ها و نگرش مدیریتی در سازمان‌های ذی‌مدخل
	x31 سیاسی بودن تصمیمات و رویکرد فن‌سالاری به جای رویکرد انسان‌محور در لایحه تقسیمات کشوری
قانونی	x32 عدم تعریف دقیق جایگاه تقسیمات کشوری
	x33 ضعف ضوابط، طرح‌ها و برنامه‌های مصوب تقسیمات کشوری تهیه شده در ارائه الگوی کارآمد برای توسعه پایدار و یکپارچه
	x34 کارآمدی پایین برنامه‌های پنج‌ساله در ارتباط با تقسیمات کشوری
	x35 ضعف الگوهای تحلیل نظام فضایی در چهارچوب قوانین و سیاست‌های تقسیمات کشوری
	x36 تقلیل‌گرایی تقسیمات کشوری به یک سری طرح‌های توصیه‌ای بدون پشتوانه نهادی و قانونی محکم
	x37 عدم جدیت در تدوین آیین برنامه‌های اجرایی
	x38 وجود اسناد بالادست سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با رویکرد بخشی
	x39 میزان شفافیت پایین قوانین و سیاست‌های تقسیمات کشوری
	x40 پیگیری نه‌چندان قوی برای اجرای شدن مصوبات لایحه تقسیمات کشوری
	x41 واگرایی مدیریتی و رویه‌ای بین سازمان‌ها و وزارتخانه‌های ذی‌مدخل در لایحه تقسیمات کشوری
	x42 میزان انسجام قانونی در ساختار سازمانی لایحه تقسیمات کشوری
	x43 تعدد قوانین و مقررات و هم‌پوشانی در لایحه تقسیمات کشوری
	x44 عدم تناسب قوانین مدون در لایحه تقسیمات کشوری

x45	تنوع نهادهای حاکمیتی با سایر نهادها در تقسیمات کشوری	نهادی
x46	تنوع نهادهای عمومی - خصوصی	
x47	میزان واگرایی ذی نفعان و ذی نفوذان در فرایند تصمیم گیری تقسیمات کشوری	
x48	میزان اعتماد درون نهادی	
x49	میزان انسجام و توان جمعی	
x50	میزان انعطاف پذیری نهادی	
x51	میزان الزام قانونی در تشریک مساعی نهادها در لایحه تقسیمات کشوری	

منبع: نگارندگان

مهم ترین هدف لایحه نظام تقسیمات کشوری تقسیم و ساماندهی فضای سرزمینی به واحدها و سطوح به منظور اعمال حاکمیت، فراهم آوردن موجبات همسویی و هماهنگی در فعالیت سازمانها، مؤسسات دولتی، محلی، نهادهای عمومی و انقلاب اسلامی، ایجاد وحدت و وفاق ملی در راستای توازن و تعادل بخشی به فرآیندهای

توسعه پایدار و عدالت فضایی با رعایت توان سرزمینی و سطح تاب آوری سرزمینی می باشد بر این اساس ویژگی های لایحه تقسیمات کشوری در شکل شماره ۴ قابل مشاهده می باشد.



شکل ۴- ویژگی های لایحه تقسیمات کشوری

روش‌شناسی

پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع تحلیلی است. قلمرو مکانی این پژوهش، دستگاه‌های متولی تقسیمات کشوری و توسعه سرزمینی می‌باشد. در روش اسنادی با مطالعات کتابخانه‌ای چارچوب نظری تحقیق تدوین و متغیرهای تقسیمات سیاسی و توسعه سرزمینی احصاء گردید. جمع‌آوری داده‌ها موردنیاز پژوهش در قالب موارد زیر بوده است:

مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای: در این شیوه اطلاعات و آمارهای موجود در مورد مداخلات صورت‌گرفته در تقسیمات سیاسی اخذ شد. اطلاعات مربوط به آمارهای جمعیتی مرکز آمار، اطلاعات و داده‌های مربوط به منطقه مورد مطالعه، طرح مطالعه یافته، پروژه‌ها اجرا شده، از جمله این داده‌ها هستند.

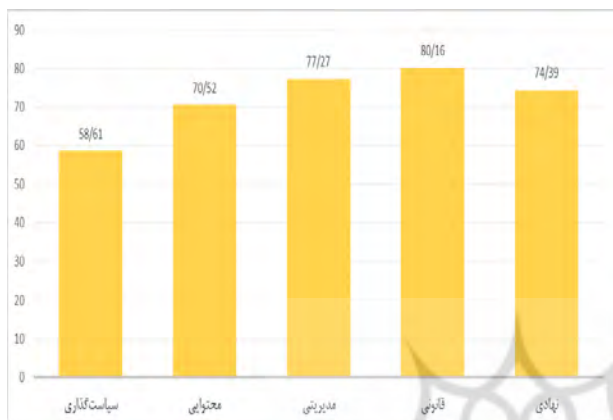
پرسش‌نامه: اطلاعات مربوط به نهادها، الزامات بخش‌های مختلف قانونی، سیاست‌گذاری، اطلاعات مربوط به توسعه‌یافتگی، با طرح و تکمیل پرسش‌نامه‌ها در جامعه مورد مطالعه حاصل شده است.

مصاحبه: در پاره‌ای موارد جهت شناخت و درک عمیق‌تر مسائل تقسیمات سیاسی از بعد نهادی و هم‌افزایی اقدام به مصاحبه با کارشناسان نهادهای مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری شده است.

به‌منظور تعیین حجم نمونه از جدول تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. بر این اساس، تعداد ۴۰۰ نفر جامعه آماری با استفاده از فرمول فوق ۲۰۰ نمونه به‌طور تصادفی تعیین شده است. ابزار طیف پاسخگویی به‌صورت لیکرت در ۵ درجه خیلی کم (امتیاز ۱) تا خیلی زیاد (امتیاز ۵) که توسط صاحب‌نظران حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری و جغرافیای سیاسی تکمیل و وزن‌دهی گردید. به‌منظور سنجش پایایی ابزار از ضریب آلفا کرونباخ استفاده شده است. ضرایب آلفا که بالاتر از ۰٫۷ است، حاکی از پایایی ابزار است. به‌منظور بررسی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS از آزمون میانگین و تحلیل عاملی استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

این پژوهش در قالب ۵۱ متغیر و ۵ مؤلفه سیاست‌گذاری، محتوایی، مدیریتی، قانونی و نهادی احصاء گردیده است. جدول ۳ نشان می‌دهد که بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه قانونی است که میانگین برای این مؤلفه برابر با ۸۰٫۱۶ و همچنین کمترین مقدار میانگین مربوط به مؤلفه سیاست‌گذاری برابر با ۵۸٫۶۱ است.



شکل ۵- نمودار وزن مؤلفه‌های مؤثر در توسعه پایدار سرزمینی منبع: نگارندگان

باتوجه به حضور ضعیف نهادها و سازمان‌ها در ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری این بخش عمدتاً به‌صورت موردی بوده است. با این وجود میانگین ۴۴٪ بیشتر از همه متغیرهای سیاست‌گذاری می‌باشد. میزان نقصان و کمبود در مؤلفه سیاست‌گذاری در بین متغیرها در حالت نرمال قرار دارد ولی متغیر X۱ (تأکید بر مؤلفه‌های اقتصادی به‌جای انسانی و فضایی) دارای میانگین بالا و متغیر X۲ (عدم تعریف و تحقق ساختارهای آمایش سرزمین) دارای میانگین کمتر در بین مؤلفه‌های سیاست‌گذاری می‌باشد.

جدول ۳- یافته‌های حاصل از مؤلفه‌های تقسیمات سیاسی

متغیر	سیاست‌گذاری	محتوایی	مدیریتی	قانونی	نهادی
میانگین	۵۸٫۶۱	۷۰٫۵۲	۷۷٫۲۷	۸۰٫۱۶	۷۴٫۳۹
میانگین خطای استاندارد	۱/۰۵	۰/۹۲۵	۰/۷۴۶	۰/۹۴۱	۰/۸۲۶
انحراف معیار	۱۱/۱۴	۱۱/۲۵	۱۲/۸۹	۱۳/۲۶	۱۲/۱۹

جدول ۴- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	خطای میانگین	انحراف معیار
x1	۳/۸۲	+۰/۷۲	۱/۰۲۶
x2	۳/۶۰	+۰/۷۰	۰/۹۸۷
x3	۳/۵۷	+۰/۷۱	۱/۰۱۰
x4	۳/۶۹	+۰/۶۴	۰/۹۰۴
x5	۳/۷۳	+۰/۷۵	۱/۰۵۵
x6	۳/۵۶	+۰/۷۹	۱/۱۱۵
x7	۳/۸۹	+۰/۶۸	۰/۹۶۶
x8	۳/۴۳	+۰/۸۳	۱/۱۷۱
x9	۳/۱۷	+۰/۷۲	۱/۰۱۸
x10	۳/۴۸	+۰/۷۱	۱/۰۰۲
x11	۳/۴۷	+۰/۶۹	۰/۹۷۶
x12	۳/۵۳	+۰/۶۸	۰/۹۵۶
x13	۱/۹۱	+۰/۹۷	۱/۳۸۰
x14	۱/۷۲	+۰/۹۲	۱/۳۰۷
x15	۱/۸۲	+۰/۹۰	۱/۲۸۶
x16	۲/۲۰	+۰/۹۷	۱/۳۷۷
x17	۲/۱۲	+۰/۱۰۲	۱/۴۵۴
x18	۲/۰۴	+۰/۹۹	۱/۴۱۳
x19	۱/۰۳	+۰/۸۹	۱/۲۶۵
x20	۱/۹۶	+۰/۱۰۲	۱/۴۵۳
x21	۲/۰۴	+۰/۱۰۱	۱/۴۳۳
x22	۱/۳۶	+۰/۵۷	۰/۸۱۹
x23	۱/۲۰	+۰/۴۲	۰/۶۰۱
x24	۱/۹۸	+۰/۸۲	۱/۱۶۰۳
x25	۱/۹۵	+۰/۱۰۳	۱/۴۶۲
x26	۴/۱۲	+۰/۷۷	۱/۰۹۹
x27	۴/۴۰	+۰/۶۰	۰/۸۵۶
x28	۲/۸۷	+۰/۸۴	۱/۱۹۵
x29	۳/۸۸	+۰/۷۳	۱/۰۴۴
x30	۴/۴۲	+۰/۶۵۱۱	۰/۹۲۰
x31	۴/۲۸	+۰/۶۲	۰/۸۷۹
x32	۳/۷۳	+۰/۸۲	۱/۱۶۴
x33	۳/۹۹	+۰/۶۶	۰/۹۳۷

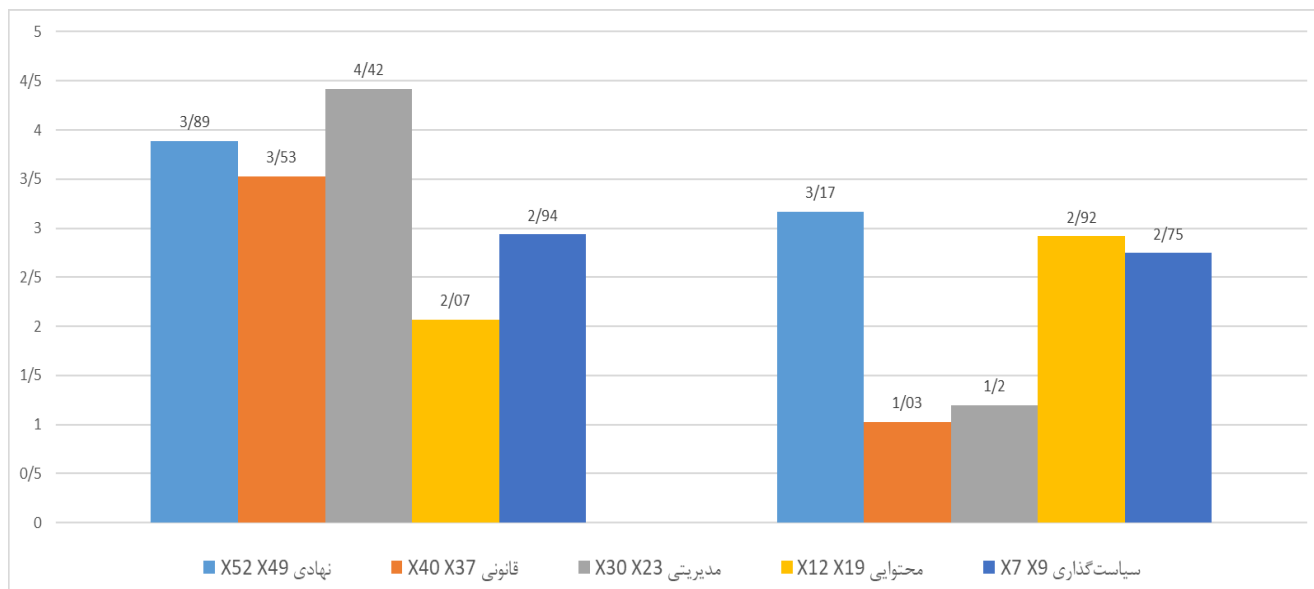
۱/۰۹	۰/۰۷۷	۴/۰۶	۳۳۴
۱/۱۴۹	۰/۰۸۱	۳/۹۹	۳۳۵
۱/۲۵۳	۰/۰۸۸	۳/۰۵	۳۳۶
۱/۲۳۷	۰/۰۸۷	۲/۹۲	۳۳۷
۱/۲۱۳	۰/۰۸۵	۳/۳۴	۳۳۸
۱/۱۷۹	۰/۰۸۳	۲/۹۹	۳۳۹
۱/۰۷۰	۰/۰۷۵	۴/۰۷	۳۴۰
۱/۰۸۹	۰/۰۷۷	۳/۶۷	۳۴۱
۱/۱۴۲	۰/۰۸۰	۳/۴۹	۳۴۲
۱/۱۹۰	۰/۰۸۴	۳/۴۰	۳۴۳
۱/۱۴۲	۰/۰۸۰	۳/۰۱	۳۴۴
۱/۰۸۰	۰/۰۷۶	۲/۷۶	۳۴۵
۱/۰۷۸	۰/۰۷۶	۳/۸۵	۳۴۶
۱/۰۵۹	۰/۰۷۴	۳/۰۶	۳۴۷
۱/۰۱۹	۰/۰۷۲	۲/۸۳	۳۴۸
۱/۰۲۶	۰/۰۷۲	۲/۷۵	۳۴۹
۱/۱۱۳	۰/۰۷۸	۳/۱۶	۳۵۰
۱/۰۸۴	۰/۰۷۶	۲/۹۴	۳۵۱

یافته‌ها نشان می‌دهد در بین متغیرهای محتوایی متغیر ۱۱۲ (فقدان بانک اطلاعاتی یکپارچه در استخراج اسناد کارآمد و به‌روز) دارای بیشترین میانگین و متغیر ۱۹ (عدم هماهنگی و توسعه‌یافتگی سرزمین) دارای کمترین میانگین می‌باشند. متغیر ۳۰ (عدم توفیق جایگاه نظام مدیریت شهری نزد سازمان‌های ذی‌مدخل) و ۲۷ (بخشی‌نگر بودن دیدگاه‌ها و نگرش مدیریتی) دارای بیشترین میانگین و ۲۳ (تغییرات زیاد در سطوح مدیریت) دارای کمترین

میانگین در بین مؤلفه‌های مدیریتی می‌باشند. در بین متغیرهای قانونی متغیر ۴۰ (بیبگیری نه‌چندان قوی برای اجرایی شدن مصوبات لایحه تقسیمات کشوری) دارای ارزش منفی زیاد در واگرایی قانونی است. متغیرهای ۴۶ (تنوع نهادهای عمومی - خصوصی) و ۴۷ (میزان واگرایی ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در فرایند تصمیم‌گیری) دارای بیشترین میانگین و اثر هستند.

جدول ۵- مقایسه امتیاز متغیرهای پژوهش

متغیر	سیاست‌گذاری	محتوایی	مدیریتی	قانونی	نهادی
امتیاز بیشتر	X7	X12	X30	X40	X51
امتیاز کمتر	X9	X19	X23	X37	X49



شکل ۶- نمودار مقایسه بیشترین و کمترین متغیرهای تأثیرگذار در تقسیمات سیاسی

در حد پایین و بالا مثبت بوده که نشان می‌دهد مقدار میانگین بدست آمده از مقدار آزمون بزرگ‌تر می‌باشد؛ بنابراین تفاوت میانگین مؤلفه‌ها معنی‌دار می‌باشد. به‌طوری که سطح معناداری (Pvalue) بدست آمده در تمام مؤلفه‌های برابر با ۰,۰۰۰ می‌باشد. این سطح معناداری نشان از تفاوت میانگین بدست آمده می‌باشد. بنابراین اختلاف میانگین مؤلفه‌ها با میانگین استاندارد باتوجه به سطح معناداری بدست آمده معنی‌دار می‌باشد.

به‌منظور درک ارتباط متغیرهای تقسیمات سیاسی و توسعه سرزمینی و همچنین اختلاف میانگین مؤلفه‌ها اقدام به سنجش میزان ارتباط و سطح معناداری مؤلفه‌ها، به‌صورت جداگانه و سپس به سنجش وابستگی هر دو متغیر نسبت به هم شد. بدین منظور باتوجه به فاصله‌ای و نسبی بودن متغیرها از برای سنجش اختلاف استاندارد از روش آزمون تی یک متغیره (T) و رابطه بین متغیرها از آزمون پیرسون (Pearson) استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون T نشان می‌دهد که اختلاف میانگین مؤلفه‌ها

جدول ۶- نتایج آزمون T برای مؤلفه‌های تقسیمات سیاسی

اختلاف میانگین در سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار T	مؤلفه‌ها
پایین‌تر	بالا‌تر					
۰/۴۸	۰/۶۸	۰/۵۸	۰/۰۰	۱۹۹	۱۱/۷۹	سیاست‌گذاری
-۱/۱۰	-۰/۸۳	-۰/۹۷	۰/۰۰	۱۹۹	-۱۴/۳۶	محتوایی
-۰/۳۹	-۰/۲۵	-۰/۳۲	۰/۰۰	۱۹۹	-۹/۱۵	مدیریتی
۰/۴۱	۰/۶۲	۰/۵۱	۰/۰۰	۱۹۹	۹/۷۲	قانونی
۰/۰۳	۰/۲۷	۰/۱۵	۰/۰۱	۱۹۹	۲/۵۶	نهادی

منبع: نگارندگان

باتوجه به آزمون T می‌توان نتایج زیر را استخراج نمود:

- در مؤلفه‌های مربوط به تقسیمات سیاسی، مؤلفه نهادی اختلاف میانگین پایین‌تر می‌باشد. این بدین معنا است که این مؤلفه از حد مطلوب برخوردار می‌باشد.
- سطح معناداری بدست آمده نشان می‌دهد که میانگین بدست آمده از میانگین مطلوب پایین‌تر بوده و تقسیمات سیاسی در وضعیت مطلوبی نمی‌باشد و این از دلایل عمده عملکرد نهادهای بازیگران در مدیریت سرزمینی می‌تواند محسوب شود.
- در پرسشنامه میان مؤلفه‌های تقسیمات سرزمینی دو متغیر مدیریتی و نهادی که با توجه به مدل مفهومی از اصول اساسی تقسیمات سیاسی و در اولویت آن است اختلاف میانگین و مقدار T بیشتری را در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها دارد. این امر نشان از ضعف سیستم مدیریت سرزمینی در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی فضایی است. سهم این دو مؤلفه بیشتر به چشم می‌خورد.

تبیین ارتباط و همبستگی بین مؤلفه‌ها

جدول ۷ همبستگی را میان مؤلفه‌های تقسیمات سرزمینی که از جمع مؤلفه‌های مزبور به هر متغیر است را نشان می‌دهد، ارزیابی‌ها با توجه به جدول ۷ نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های مدیریتی همبستگی مثبت وجود دارد. به این معنا با افزایش هر مؤلفه، مؤلفه دیگری نیز افزایش می‌یابد و با کاهش یکی، دیگری نیز کاهش می‌یابد. با توجه به جدول ۷ ملاحظه می‌شود که بین مؤلفه‌های قانونی و مدیریتی با نمره ۰٫۶۴۹ بیشتری رابطه وجود دارد و کمترین رابطه مربوط به مؤلفه‌های نهادی و سیاست‌گذاری است.

جدول ۸ نشان می‌دهد واریانس کلی بیان شده در سه مرحله نمایش یافته است در مرحله آغازین و مقادیر ویژه مرتبط با آن درصد واریانس بیان شده و درصد تجمعی آن را نیز مشاهده می‌کنیم. باتوجه به مقادیر ویژه انتظار داریم ۱۲ عامل استخراج شود چون آنها دارای مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک هستند. اگر ۱۲ عامل استخراج شود ۷۲ درصد از واریانس بیان خواهد شد.

جدول ۷- همبستگی مؤلفه‌های تقسیمات سیاسی

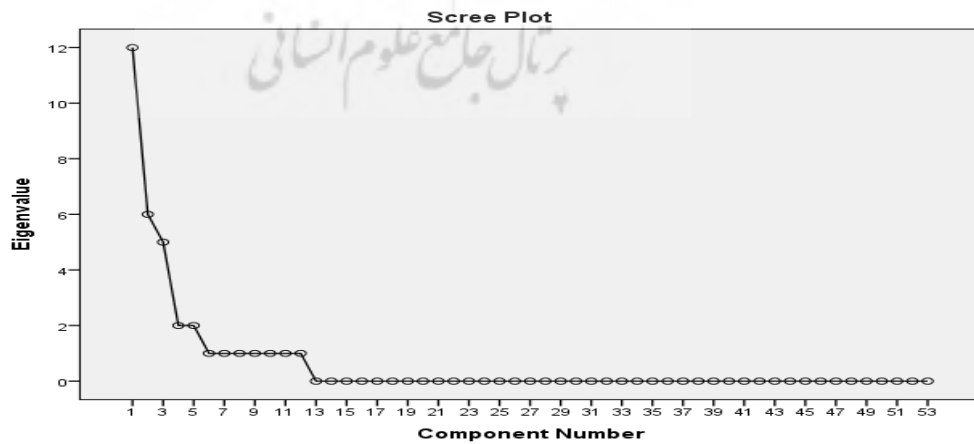
مؤلفه‌ها		سیاست‌گذاری	محتوایی	مدیریتی	قانونی	نهادی
سیاست‌گذاری	Pearson Correlation	۱	۰/۳۲۸	۰/۲۳۷	۰/۲۹۴	۰/۹۷۲
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۲۳
محتوایی	Pearson Correlation	۰/۳۲۸	۱	۰/۴۵۶	۰/۳۸۹	۰/۳۴۹
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹
مدیریتی	Pearson Correlation	۰/۲۳۷	۰/۴۵۶	۱	۰/۶۴۹	۰/۴۷۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
قانونی	Pearson Correlation	۰/۲۹۴	۰/۳۸۹	۰/۶۴۹	۱	۰٫۳۴۸
	Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نهادی	Pearson Correlation	۰/۹۷۲	۰/۳۴۹	۰/۴۷۱	۰٫۳۴۸	۱
	Sig. (2-tailed)	۰/۱۷۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۶	۰/۰۰۰

جدول ۸-آزمون واریانس کلی

ردیف	مقادیر ویژه اولیه			مجموع استخراج بارهای مربع شده			مجموع چرخش بارهای مربع شده		
	مجموع	واریانس	فراوانی تجمعی	مجموع	واریانس	فراوانی تجمعی	مجموع	واریانس	فراوانی تجمعی
۱	۱۲/۳۴۱	۲۳/۲۸۶	۲۳/۲۸۶	۱۲/۳۴۱	۲۳/۲۸۶	۲۳/۲۸۶	۵/۶۷۵	۱۰/۷۰۸	۱۰/۷۰۸
۲	۶/۳۶۵	۱۲/۰۰۹	۳۵/۲۹۵	۶/۳۶۵	۱۲/۰۰۹	۳۵/۲۹۵	۵/۳۲۳	۱۰/۰۴۳	۲۰/۷۵۰
۳	۵/۱۹۸	۹/۸۰۷	۴۵/۱۰۲	۵/۱۹۸	۹/۸۰۷	۴۵/۱۰۲	۵/۲۴۰	۹/۸۸۷	۳۰/۶۳۷
۴	۲/۷۲۸	۵/۱۴۷	۵۰/۲۵۰	۲/۷۲۸	۵/۱۴۷	۵۰/۲۵۰	۴/۳۹۴	۸/۲۹۰	۳۸/۹۲۸
۵	۲/۰۲۸	۳/۸۲۷	۵۴/۰۷۶	۲/۰۲۸	۳/۸۲۷	۵۴/۰۷۶	۳/۹۹۱	۷/۵۳۰	۴۶/۴۵۸
۶	۱/۹۴۶	۳/۶۷۱	۵۷/۷۴۸	۱/۹۴۶	۳/۶۷۱	۵۷/۷۴۸	۳/۲۵۴	۶/۱۳۹	۵۲/۵۹۷
۷	۱/۶۶۲	۳/۱۳۷	۶۰/۸۸۴	۱/۶۶۲	۳/۱۳۷	۶۰/۸۸۴	۲/۵۶۴	۴/۸۳۸	۵۷/۴۳۵
۸	۱/۵۸۲	۲/۹۸۵	۶۳/۸۶۹	۱/۵۸۲	۲/۹۸۵	۶۳/۸۶۹	۲/۰۵۰	۳/۸۶۸	۶۱/۳۰۳
۹	۱/۲۷۱	۲/۳۹۷	۶۶/۲۶۶	۱/۲۷۱	۲/۳۹۷	۶۶/۲۶۶	۱/۸۵۱	۳/۴۹۲	۶۴/۷۹۵
۱۰	۱/۱۶۷	۲/۲۰۲	۶۸/۴۶۹	۱/۱۶۷	۲/۲۰۲	۶۸/۴۶۹	۱/۷۳۵	۳/۲۷۳	۶۸/۰۶۸
۱۱	۱/۰۹۴	۲/۰۶۵	۷۰/۵۳۳	۱/۰۹۴	۲/۰۶۵	۷۰/۵۳۳	۱/۱۷۰	۲/۲۰۷	۷۰/۲۷۵
۱۲	۱/۰۰۴	۱/۸۹۳	۷۲/۴۲۷	۱/۰۰۴	۱/۸۹۳	۷۲/۴۲۷	۱/۱۴۰	۲/۱۵۲	۷۲/۴۲۷
۱۳	۰/۹۵۶	۱/۸۰۳	۷۴/۲۳۰						
۱۴	۰/۸۳۳	۱/۵۷۱	۷۵/۸۰۱						
۱۵	۰/۷۴۸	۱/۴۱۲	۷۷/۲۱۳						
۱۶	۰/۷۲۴	۱/۳۶۶	۷۸/۵۷۹						
۱۷	۰/۷۰۲	۱/۳۲۵	۷۹/۹۰۳						
۱۸	۰/۶۶۸	۱/۲۶۱	۸۱/۱۶۴						
۱۹	۰/۶۳۶	۱/۲۰۰	۸۲/۳۶۴						
۲۰	۰/۵۹۹	۱/۱۳۰	۸۳/۴۹۴						
۲۱	۰/۵۴۸	۱/۰۳۴	۸۴/۵۲۷						
۲۲	۰/۵۲۷	۰/۹۹۴	۸۵/۵۲۱						
۲۳	۰/۴۹۷	۰/۹۳۸	۸۶/۴۶۰						
۲۴	۰/۴۸۸	۰/۹۲۰	۸۷/۳۸۰						
۲۵	۰/۴۷۸	۰/۹۰۳	۸۸/۲۸۳						
۲۶	۰/۴۴۴	۰/۸۳۸	۸۹/۱۲۱						
۲۷	۰/۴۲۰	۰/۷۹۳	۸۹/۹۱۳						
۲۸	۰/۳۷۰	۰/۶۹۸	۹۰/۶۱۱						
۲۹	۰/۳۶۶	۰/۶۹۱	۹۱/۳۰۲						
۳۰	۰/۳۵۴	۰/۶۶۷	۹۱/۹۶۹						

					۹۲/۶۱۰	۰/۶۴۲	۰/۳۴۰	۳۱
					۹۳/۲۴۰	۰/۶۳۰	۰/۳۳۴	۳۲
					۹۳/۸۱۷	۰/۵۷۷	۰/۳۰۶	۳۳
					۹۴/۳۶۲	۰/۵۴۵	۰/۲۸۹	۳۴
					۹۴/۸۹۸	۰/۵۳۶	۰/۲۸۴	۳۵
					۹۵/۳۷۸	۰/۴۸۰	۰/۲۵۴	۳۶
					۹۵/۸۴۶	۰/۴۶۸	۰/۲۴۸	۳۷
					۹۶/۳۰۲	۰/۴۵۶	۰/۲۴۲	۳۸
					۹۶/۷۱۹	۰/۴۱۷	۰/۲۲۱	۳۹
					۹۷/۱۲۹	۰/۴۱۰	۰/۲۱۷	۴۰
					۹۷/۵۰۶	۰/۳۷۷	۰/۲۰۰	۴۱
					۹۷/۸۵۷	۰/۳۵۱	۰/۱۸۶	۴۲
					۹۸/۱۷۱	۰/۳۱۳	۰/۱۶۶	۴۳
					۹۸/۴۷۰	۰/۳۰۰	۰/۱۵۹	۴۴
					۹۸/۷۴۷	۰/۲۷۷	۰/۱۴۷	۴۵
					۹۹/۰۰۱	۰/۲۵۴	۰/۱۳۵	۴۶
					۹۹/۱۹۵	۰/۱۹۴	۰/۱۰۳	۴۷
					۹۹/۳۷۳	۰/۱۷۸	۰/۰۹۴	۴۸
					۹۹/۵۴۰	۰/۱۶۷	۰/۰۸۹	۴۹
					۹۹/۶۲۹	۰/۱۰۱	۰/۰۵۳	۵۰
					۱۰۰/۰۰۰	۰/۰۸۶	۰/۰۴۶	۵۱

منبع: نگارندگان



شکل ۷- نمودار سنگ ریزه متغیرها

دومین عامل (محتوایی) ۱۲ آیتم را با بارهای عاملی بین ۰,۸۴ تا ۰,۵۳ در بردارد. سومین عامل (مدیریتی)، ده آیتم را با بارهای عاملی ۰,۳۲ تا ۰,۸۵ در بردارد. همین روند ادامه دارد تا عامل پنجم (نهادی) که یک آیتم دارد. تکنیک 'SOAR' ترکیبی از استراتژی SWOT و دیدگاه مثبت‌شناسی است که در یک برنامه‌ریزی راهبردی، به‌جای تمرکز بر مشکلات و ضعف‌ها و تهدیدها به شناسایی و ایجاد قوت‌های کنونی و فرصت‌های سودبخش می‌پردازد. در فرایند سنتی برنامه‌ریزی راهبردی به‌عنوان نمونه‌ای از آن که مشتمل بر قوت‌ها و فرصت‌ها و ضعف‌ها و تهدیدهاست چنانچه بخواهیم به لحاظ نظم فکری آن را به دو بخش ۵۰/۵۰ تقسیم کنیم، باید ۵۰ درصد از زمان خود را به نقاط مثبت و ۵۰ درصد بقیه را به نقاط منفی اختصاص دهیم. انسان ذاتاً به تقویت و تمرکز بر نقاط منفی گرایش دارد. در نگرش مثبت‌شناسی، نقاط مثبت و فرصت‌ها را تا آنجا رشد می‌دهیم که بتوانیم از طریق آن ضعف‌ها و تهدیدها را پوشش دهیم. برخلاف مدل‌های گذشته، از یک‌روند برنامه‌ریزی پایین به بالا پیروی می‌کند.

آخرین گام در تحلیل عاملی این است که چه تعداد عامل می‌بایستی برای تفسیر تعیین شوند تا برچسب‌هایی به این اختصاص دهیم. تعداد عامل‌هایی که می‌بایستی تقسیم شوند تا حد زیادی به هدف اصلی تحلیل بستگی دارد. تنها وجود یک عامل در این پژوهش مناسب‌تر است. چون طبق مدل اولین عامل دارای مقدار ویژه ۱۲,۳۴ بود. درحالی‌که دومین، سومین و چهارمین و دوازدهمین عامل به ترتیب دارای مقادیر ویژه ۶/۳۶، ۵/۱۹، ۲/۷۲ و ۱ بودند. همچنین نمودار سنگ‌ریزه نیز غالب بودن اولین عامل را که با ۴۱ آیتم درگیر بود تأیید می‌کند. متغیرهای خالص دارای بارهای عاملی ۰,۳ یا بیشتر تنها روی یک عامل هستند. متغیرهای پیچیده دارای بارهای زیاد روی بیش از یک عامل هستند تفسیر خروجی را دشوار می‌سازند بنابراین دوران ضروری است. دوران واریماکس یکی از پرکاربردترین دوران‌ها است به‌طور معمول دوران تعداد متغیرهای پیچیده را کاهش داده و تفسیر را ساده‌تر می‌کند. اولین عامل (سیاست‌گذاری) حاوی ۱۰ آیتم با بارهای عاملی بین ۰,۳۹ تا ۰,۸۶ است.

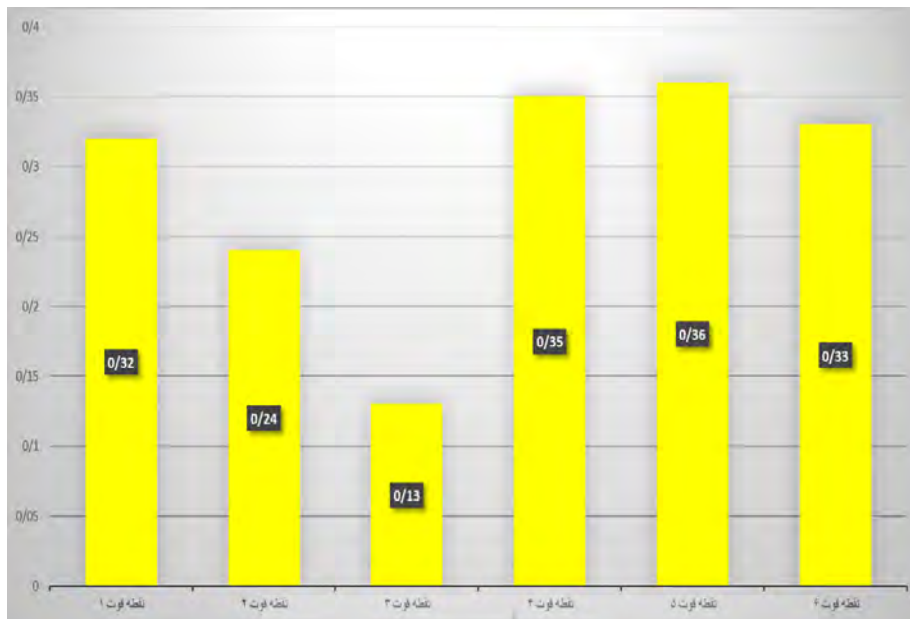
جدول ۹- استراتژی SOAR

نتایج	آرمان	فرصت	قوت
R1 ایجاد سازمان‌های قانون‌مدار و جلوگیری از دخالت گروه‌های غیررسمی در تقسیمات سیاسی	A1 طراحی سازوکار نهادی - مدیریتی لایحه تقسیمات کشوری	O1 امکان هماهنگی و همکاری سازنده با دستگاه‌های مختلف در تقسیمات سیاسی	S1 مشارکت در نهادینه‌سازی مدیریت یکپارچه در تقسیمات سیاسی
R2 افزایش توان و تخصص عوامل کارگزار در جهت ایجاد ارتباط قوی با پاسخگویی مناسب در لایحه تقسیمات کشوری	A2 رسیدن به چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ در تحقق لایحه تقسیمات کشوری	O2 تخصیص بهینه منابع مدیریتی در تقسیمات سیاسی	S2 تعیین حیطه نظارت و اجرا بین وزارت کشور و سازمان‌های تابعه
R3 کارایی مدیران در اجرای مدیریت تقسیمات سیاسی و ضرورت هماهنگی بین سازمانی و نهادی	A3 توسعه نهادی و هم‌افزا در لایحه تقسیمات کشوری	O3 ایجاد بستر مناسب جهت چابک‌سازی در راستای مدیریت یکپارچه در تقسیمات سیاسی	S3 الزام مدیران در تن‌دادن به قواعد و معیارهای مشارکت‌پذیری مردم در تقسیمات سیاسی
R4 مطرح‌شدن لایحه تقسیمات کشوری به‌عنوان نمونه حکمروایی شایسته	A4 برطرف شدن سوء مدیریت در تقسیمات سیاسی	O4 افزایش آگاهی مردمی و ارتقا به مشارکت در تقسیمات سیاسی	S4 برداشتن گام‌های اولیه از سوی برخی سازمان‌ها و نهادها جهت هماهنگی با یکدیگر در تقسیمات سیاسی
R5 شکوفایی توانایی‌های نهادها و سازمان‌ها در مدیریت یکپارچه تقسیمات کشوری	A5 لایحه تقسیمات کشوری دارای مدیریت یکپارچه و به‌دوراز تفرق‌ها و واگرایی‌ها	O5 تقویت فضای گفت‌وگو مبتنی بر ضرورت توسعه مطلوب سرزمینی	S5 برخورداری مدیریت توسعه سرزمینی از منابع، توان و تجربه کافی
R6 پویایی قوانین مدیریت تقسیمات سیاسی در بستر زمان	A6 تصویرسازی پیامدهای روندهای کنونی در ساختار مدیریت سرزمینی	O6 ایجاد فرصت ارتباط مدیران با مردم و تعیین سازوکارها در لایحه تقسیمات کشوری	S6 وجود برنامه‌های کوتاه و بلندمدت مدیریتی در تقسیمات سیاسی

استراتژی SOAR شامل چهار بخش کلیدی است که جدول ۳-۵ راهبردهای تقسیمات سیاسی در توسعه شامل شناسایی قوت‌ها، فرصت‌ها، آرمان‌ها و نتایج سرزمینی را نشان می‌دهد. می‌شود (ر.ک. جدول ۳-۵).

جدول ۱۰-وزندگی راهبردهای حاصله از مدل soar

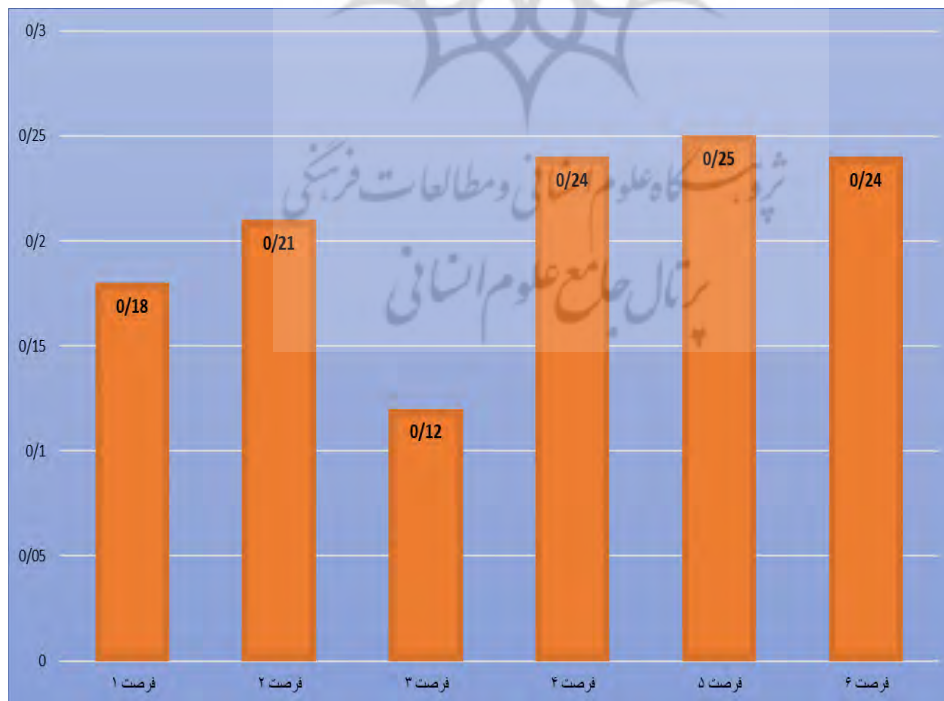
نمره	رتبه	ضریب	میانگین	عوامل کلیدی	
۰.۳۲	۴	۰.۰۸	۳.۸	S۱ مشارکت در نهادینه‌سازی مدیریت یکپارچه در تقسیمات سیاسی	قوت
۰.۲۴	۲	۰.۱۲	۳.۱	S۲ تعیین حیطه نظارت و اجرا بین وزارت کشور و سازمان‌های تابعه	
۰.۱۳	۱	۰.۱۳	۳.۱	S۳ الزام مدیران در تن‌دادن به قواعد و معیارهای مشارکت‌پذیری مردم در تقسیمات سیاسی	
۰.۳۵	۵	۰.۰۷	۳.۸	S۴ برداشتن گام‌های اولیه از سوی برخی سازمان‌ها و نهادها جهت هماهنگی با یکدیگر در تقسیمات سیاسی	
۰.۳۶	۶	۰.۰۶	۳.۸	S۵ برخورداری مدیریت توسعه سرزمینی از منابع، توان و تجربه کافی	
۰.۳۳	۳	۰.۱۱	۳.۷	S۶ وجود برنامه‌های کوتاه و بلندمدت مدیریتی در تقسیمات سیاسی	
۱.۷۳	-	۰.۵۷	۲۱.۳	جمع نقاط قوت	
۰.۱۸	۲	۰.۰۹	۱.۵	O۱ امکان هماهنگی و همکاری سازنده با دستگاه‌های مختلف در تقسیمات سیاسی	فرصت
۰.۲۱	۳	۰.۰۷	۱.۴	O۲ تخصیص بهینه منابع مدیریتی در تقسیمات سیاسی	
۰.۱۲	۱	۰.۱۲	۱.۶۶	O۳ ایجاد بستر مناسب جهت چابک‌سازی در راستای مدیریت یکپارچه در تقسیمات سیاسی	
۰.۲۴	۴	۰.۰۶	۱.۱	O۴ افزایش آگاهی مردمی و ارتقا به مشارکت در تقسیمات سیاسی	
۰.۲۵	۵	۰.۰۵	۲.۴	O۵ تقویت فضای گفت‌وگو مبتنی بر ضرورت توسعه مطلوب سرزمینی	
۰.۲۴	۶	۰.۰۴	۱.۸	O۶ ایجاد فرصت ارتباط مدیران با مردم و تعیین سازوکارها در لایحه تقسیمات کشوری	
۱.۲۴	-	۰.۴۳	۹.۸۶	جمع فرصت‌ها	
۲.۹۷	-	۱	۳۱.۱۶	جمع قوت‌ها فرصت‌ها	
۰.۱۹۲	۶	۰.۰۳۲	۲.۶	A۱ طراحی سازوکار نهادی - مدیریتی لایحه تقسیمات کشوری	آرزوها
۰.۱۷۵	۵	۰.۰۳۵	۲.۸	A۲ رسیدن به چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ در تحقق لایحه تقسیمات کشوری	
۰.۲۰۸	۳	۰.۰۵۲	۲.۶	A۳ توسعه نهادی و هم‌افزا در لایحه تقسیمات کشوری	
۰.۱۲۹	۴	۰.۴۳	۲.۷	A۴ برطرف شدن سوء مدیریت در تقسیمات سیاسی	
۰.۱۶۴	۲	۰.۸۲	۱.۸	A۵ لایحه تقسیمات کشوری دارای مدیریت یکپارچه و به‌دور از تفرق‌ها و واگرایی‌ها	
۰.۳۱	۱	۰.۳۱	۱.۷	A۶ تصویرسازی پیامدهای روندهای کنونی در ساختار مدیریت سرزمینی	
۱.۱۷	-	۰.۵۵	۱۴.۲	جمع آرزوها	
۰.۳۳	۳	۰.۱۱	۱.۹	R۱ ایجاد سازمان‌های قانون مدار و جلوگیری از دخالت گروه‌های غیر رسمی در تقسیمات سیاسی	نتایج
۰.۲۶	۲	۰.۱۳	۲.۳	R۲ افزایش توان و تخصص عوامل کارگزار در جهت ایجاد ارتباط قوی با و پاسخگویی مناسب در لایحه تقسیمات کشوری	
۰.۱۴۲	۱	۰.۱۴۲	۲.۱	R۳ کارایی مدیران در اجرای مدیریت تقسیمات سیاسی و ضرورت هماهنگی بین سازمانی و نهادی	
۰.۱۲۵	۵	۰.۰۲۵	۱.۹	R۴ مطرح شدن لایحه تقسیمات کشوری به‌عنوان نمونه حکمروایی شایسته	
۰.۱۲۸	۴	۰.۰۳۲	۲.۳	R۵ شکوفایی توانایی‌های نهادها و سازمان‌ها در مدیریت یکپارچه تقسیمات کشوری	
۰.۰۸۴	۶	۰.۰۱۴	۲.۱	R۶ پویایی قوانین مدیریت تقسیمات سیاسی در بستر زمان	
۱.۰۷	-	۰.۴۵	۶.۳	جمع نتایج	
۲.۲۴	-	۱	۲۰.۵	جمع نتایج و آرزوها	



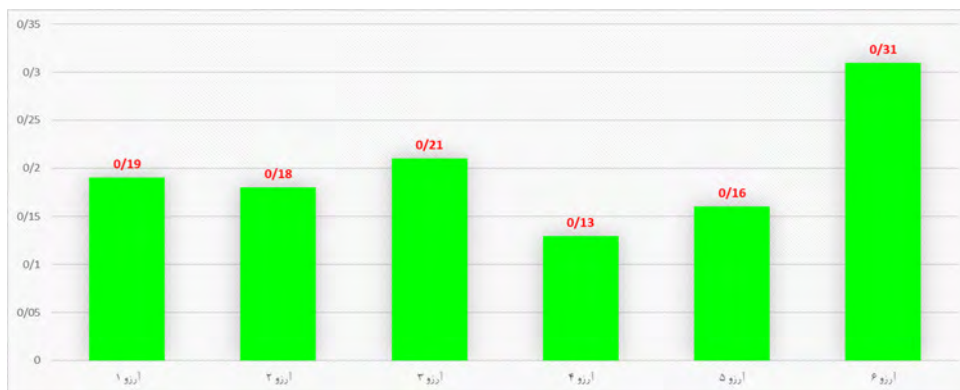
شکل ۸-وزان نقاط قوت مدل راهبردی SOAR در لایحه تقسیمات کشوری

شکل ۹- نشان می‌دهد که میزان وزن برخورداري مدیریت توسعه سرزمینی از منابع، توان و تجربه کافی از اهمیت بیشتری در توسعه تقسیمات کشوری برخوردار است.

شکل ۸- نشان می‌دهد که میزان وزن برخورداري مدیریت توسعه سرزمینی از منابع، توان و تجربه کافی از اهمیت بیشتری در توسعه تقسیمات کشوری برخوردار است.



شکل ۹-وزان فرصت‌ها مدل راهبردی SOAR در لایحه تقسیمات کشوری



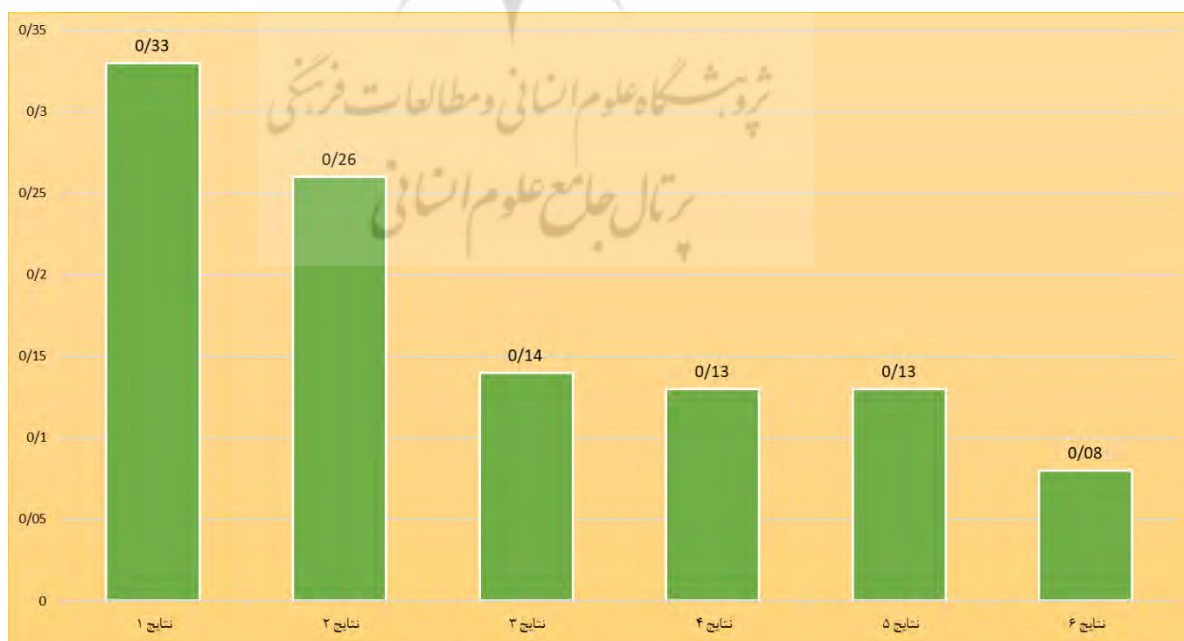
شکل ۱۰- اوزان آرزوها مدل راهبردی SOAR در لایحه تقسیمات کشوری

شکل ۱۰- نشان می‌دهد ایجاد سازمان‌های قانون‌مدار و جلوگیری از دخالت گروه‌های غیررسمی در تقسیمات سیاسی مؤثر می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

تقسیمات کشوری سازماندهی اداری - سیاسی برای تسهیل در اعمال حاکمیت دولت، شیوه مدیریت و تصمیم‌گیری و همچنین انتظام نوع و نحوه رابطه دولت - ملت و ملت با ملت و ملت با فضا می‌باشد. در همین ارتباط محدوده‌های متوازن تقسیمات کشوری در واقع ظرف مکانی به شمار می‌روند که می‌توان آن را فصل مشترک تمام پدیده‌های عینی و غیرعینی نظیر منابع طبیعی جمعیت، سنت و فرهنگ فعالیت زیرساخت‌ها تشکیلات، روابط، حرکات و ... دانست که به تبع پیشینه تاریخی، نظام حکومتی، ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی - اقتصادی در ظرف زمان انتظام و آرایش خاصی به خود می‌گیرند. هدف از تقسیمات کشوری، عبارت است از:

نتایج نهایی مدل راهبردی نشان می‌دهد، برای تحقق راهبردهای مدیریت سرزمینی در قالب تقسیمات سیاسی، باید در جهت چابک‌سازی بسترهای مدیریتی و نهادی با در نظر گرفتن فضای گفتمان مبتنی بر ضرورت توسعه مطلوب سرزمینی و تشدید ترتیبات نهادی و میان نهادی مبادرت ورزید تا سازگاری و انسجام لازم در مدیریت تقسیمات سیاسی در توسعه سرزمین را داشته باشیم.



شکل ۱۱- اوزان نتایج مدل راهبردی SOAR در لایحه تقسیمات کشوری

اداره بهتر امور منطقه‌ای و محلی؛ نظارت سیاسی و اعمال سیاست‌های دولت مرکزی؛ ایجاد وحدت و امنیت ملی؛ توسعه هماهنگ و پایدار؛ فراهم کردن زمینه برای عرضه خدمات و تأمین بهتر نیازهای اساسی مردم و توسعه رفاه اجتماعی و اقتصادی؛ نظارت سیاسی برای رسیدن به هدف‌های ملی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها، ناراحتی‌ها، تجزیه‌طلبی‌ها و... فراهم کردن زمینه مساعد برای مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود و ایجاد توسعه منطقه‌ای و پایه‌گذاری چارچوب فضایی و جغرافیایی لازم برای گسترش سازمانی و اداری دستگاه‌های دولت مرکزی. به‌طور کلی، هدف از تقسیمات کشوری که مورد توجه تمام نظام‌های سیاسی است - تأمین خدمات و امکانات برای مناطق نیازمند و آسان کردن حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی در پهنه کشور است. برای رسیدن به این هدف، نظام تقسیمات کشوری باید به‌گونه‌ای کارآمد طراحی شود تا کمترین تنش و بیشترین هماهنگی و همکاری دوسویه را در مناطق و بین سرزمین‌های همجوار کشور ایجاد کند و زمینه لازم را برای توسعه منطقه‌ای فراهم آورد. نتایج یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج سایر تحقیق‌ها، از جمله: (احمدی پور، ۱۳۸۵) تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی، (رشیدی، ۱۳۹۵) آسیب‌شناسی تقسیمات کشوری، (لطفی، ۱۳۹۵) سازماندهی سیاسی فضا همخوانی و سازگاری دارد. شایان ذکر است جدای اشتراکات فوق، برخی نتایج این تحقیق، به‌ویژه در یافته‌های کمی «در سطح متغیرها» و همبستگی از وجوه تمایز نسبت به دیگر تحقیق‌ها است.

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از مؤلفه‌های تقسیمات سیاسی تصویری از وضعیت لایحه تقسیمات کشوری با تأکید بر توسعه پایدار سرزمینی ارائه شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که از منظر تعدادی از متخصصان و مدیران ارشد، مهم‌ترین موانع در قوانین و لایحه تقسیمات کشوری به‌منظور توسعه سرزمینی ضعف نگاه

کارشناسی و همه‌جانبه، فقدان جایگاه نظام مدیریت شهری-منطقه‌ای نزد سازمان‌های ذی‌مدخل، بخشی‌نگر بودن دیدگاه‌ها و گاهی نگرش صرفاً مدیریتی و سیاسی بودن تصمیمات و رویکرد فن‌سالاری به‌جای رویکرد انسان‌محور و علمی می‌باشد.

در این پژوهش بر اساس اسناد علمی، ۵۱ متغیر در قالب ۵ مؤلفه نهادی، قانونی، سیاست‌گذاری، مدیریتی و محتوایی احصا گردید. با استفاده از تکنیک‌های آماری، تحلیل عاملی و آزمون همبستگی به تفسیر و تحلیل مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی در توسعه سرزمینی و روابط میان متغیرها و مؤلفه‌ها و ترکیب بهینه آنها در قالب عامل معنادار اقدام شد.

به این ترتیب جمع‌بندی نشان می‌دهد، مؤلفه‌های قانونی، مدیریتی، نهادی، محتوایی و سیاست‌گذاری در رتبه‌های یک تا پنج قرار گرفته‌اند. در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری بین مؤلفه‌های مورد مطالعه وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که میزان تأثیر مستقیم مؤلفه‌های قانونی و مدیریتی برابر با ۰.۶۴۹ است که نشان می‌دهد به ازای یک واحد تغییر در مؤلفه قانونی، میزان مؤلفه مدیریتی به میزان ۰.۶۴۹ واحد تغییر خواهد یافت، بنابراین می‌توان گفت که لایحه مذکور هنوز ظرفیت لازم را برای توسعه پایدار سرزمینی نداشته، لذا بررسی و ارزیابی دقیق‌تر قبل از تصویب، تهیه پیوسته‌های اجتماعی و سیاسی برای لویح و قوانین موردنظر، امکان‌سنجی قابلیت تحقق اهداف ناظر بر قوانین قبل از تصویب، تهیه بدون وقفه آیین‌نامه‌های اجرایی و طراحی سازوکارهای نظارت بر میزان اجرایی شدن قوانین در زمینه سازماندهی فضایی و توسعه شهری-منطقه‌ای و آتی‌نگری، بخشی از موضوعاتی است که می‌بایست بیشتر مورد توجه قرار گیرند در صورتی که همین مؤلفه‌ها نقش محوری از ارتقای ظرفیت هر لایحه و قانون در راستای توسعه پایدار سرزمینی دارند و به عبارت دیگر توسعه پایدار سرزمینی تا حدودی منوط

جدول ۹- جمع‌بندی یافته‌های مدل‌ها

نتیجه نهایی	تحلیل مؤلفه‌ها	مدل
قانونی دارای بیشترین امتیاز سیاست‌گذاری کمترین امتیاز	قانونی، ۸۰/۱۶ سیاست‌گذاری ۵۸/۶۱	آزمون میانگین
وزن مؤلفه‌ها به ترتیب از بیشترین همبستگی به کمترین همبستگی: قانونی، مدیریتی، نهادی، محتوایی و سیاست‌گذاری	همبستگی قانونی مدیریتی ۰/۶۴۹ همبستگی سیاست‌گذاری و نهادی ۰/۲۷۲	ضریب همبستگی
مقادیر ویژه هر دو مؤلفه نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارای بیشترین امتیاز است و همچنین دو متغیر اجرایی شدن مصوبات لایحه تقسیمات کشوری و میزان واگرایی ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری تقسیمات کشوری دارای امتیاز بیشتر نسبت به متغیرهای پژوهش است	مؤلفه قانونی و مدیریتی	تحلیل عاملی

- Agnew, J., & Muscarà, L. (2012). Making political geography: Rowman & Littlefield Publishers.
- Bairoch, P. (2013). The economic development of the Third World since 1900: Routledge.
- Crawford, J. (2019). Brownlie's principles of public international law: Oxford University Press, USA.
- Geldermann, J & ,Rentz, O. (2000). Bridging the gap between american and european MADM-approaches. Paper presented at the 51st Meeting of the European Working Group Multicriteria Aid for Decisions, Madrid.
- Jones, M., Jones, R., Woods, M., Whitehead, M., Dixon, D., & Hannah, M. (2014). An introduction to political geography: space, place and politics: Routledge.
- Kitchin, R., & Thrift, N. (2009). International encyclopedia of human geography: Elsevier.
- Muir, R. (2015). Modern political geography: Macmillan International Higher Education.
- O'loughlin, J., Toal, G., & Chamberlain-Creangă, R. (2013). Divided space, divided attitudes? Comparing the Republics of Moldova and Pridnestrovie (Transnistria) using simultaneous surveys. Eurasian Geography and Economics, 54(2), 227-258.
- Polèse, M. (1999). From regional development to local development: On the life, death and rebirth (?) of regional science as a policy relevant science. Canadian Journal of Regional Science, 22(3), 299-315.
- Sanderson, M. R. (2018). The Sociology of Development Handbook. In: SAGE Publications Sage CA: Los Angeles, CA.
- Vartanian, O., Navarrete, G., Chatterjee, A., Fich, L. B., Leder, H., Modroño, C., ... Skov, M. (2013). Impact of contour on aesthetic judgments and approach-avoidance decisions in architecture. Proceedings of the National Academy of Sciences, 110(Supplement 2), 10446-10453.
- Wilk, W. (2004). The effect of changes in administrative division on the economic position of the largest cities in Poland. Miscellanea Geographica, 11(1), 241-247.

به توجه به نکات مذکور و همچنین بازبینی کارشناسی و علمی لایحه تقسیمات کشوری مطابق با وضعیت متغیرهای مشخص شده در این تحقیق می‌باشد.

پیشنهادها

در جهت بهبود کارآمدی و اثربخشی لایحه تقسیمات کشوری در توسعه پایدار سرزمینی پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- تقویت نگاه کارشناسی و فضای گفتمان مبتنی بر ضرورت توسعه مطلوب سرزمینی از قانون‌گذاری گرفته تا اجرا و نظارت.

- تصویرسازی پیامدهای روندهای کنونی در ساختارهای مدیریت سرزمینی به‌ویژه از منظر قانون‌گذاری.

- طراحی سازوکار نهادی-مدیریتی به‌صورت علمی و دقیق متناسب با ساختارهای تاریخی-جغرافیایی سرزمین و نیاز موجود.

منابع

- احمدی‌پور، ز. و & منصوریان، ع. (۱۳۸۵). تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۵). ژئوپلیتیک، ۳(۳): ۶۲-۸۹.
- بانک اطلاعاتی تقسیمات کشوری ایران بر اساس استان، شهرها، روستاها (آخرین بروز رسانی تا ۲۸/۱۱/۱۳۹۸)
- حافظ نیا، م. و قالیباف، م. (۱۳۸۰). راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی. تحقیقات جغرافیایی، ۲(۶۱): ۳۹-۶۱
- رشیدی، م. پور، ع. ع. شکر، ر. ا. ح. و. و سعیدزاده، م. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی ژئوپلیتیکی تقسیمات کشوری ایران از منظر آمایش سرزمین. نشریه جغرافیای سیاسی، ۱(۳)، ۱۵۵-۱۸۶.
- کاویانی راد، م. (۱۳۹۲). پردازش مفهوم «قلمرو» از منظر جغرافیای سیاسی. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۷ (۴): ۴۳-۶۲
- علی‌الحسابی، م. و & دانشمند، س. (۱۳۸۷). ارزیابی ظرفیت همجواری قلمروهای فضایی در واحد مسکونی. نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید (فارسی) (نشریه بین‌المللی علوم مهندسی)، ۱۹(۶) ویژه‌نامه مهندسی معماری و شهرسازی.
- لطفی، ح. (۱۳۹۵). سازماندهی سیاسی فضا بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار در پراکنش فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای در سه استان خراسان بزرگ. پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۷(۲۴)، ۷۵-۹۰.
- مجتهدزاده، پ. (۱۳۹۵). درآمدی بر فلسفه روابط جغرافیا و سیاست. سیاست، ۳۷(۴۶)، ۲۲۹-۲۴۸.